

از روایات

واژه رشوه در روایات، گاه با تطبیق بر مورد آمده است که به کار ما در مجال حاضر می آید.

- مثلاً در معتبره محمد بن مسلم است:

«قال سألت ابا عبدالله - عليه السلام - عن الرجل يرشو الرجل الرشوة على ان يتحول من منزله فيسكنه؟ قال: «لا بأس به»^۱.

قال الشيخ الحر:

«الظاهر ان المراد: المنزل المشترك بين المسلمين كالارض المفتوحة عنوة او الموقوفة على قبيل و هما منه»^۲.

- روایت دیگر از حکیم بن حکم [حکم بن حکیم]^۳ صیرفی است:

«قال: سمعت ابا الحسن - عليه السلام - و سأله حفص الاعور، فقال: ان السلطان يشترى منا القرب و الأداوی فیوکلون الوکیل حتی یستوفیه منا فنرشوه حتی لا یظلمنا؟

فقال: لا بأس ما تُصلح به مالک. ثم سکت ساعة ثم قال: اذا انت رشوته يأخذ اقل من الشرط؟ قلت: نعم. قال: فسدت رشوتک»^۴.

در این دو حدیث شریف واژه «رشوه» در غیر قضا و حکم به کار رفته است؛ بدون این که احساس اعتماد به قرینه ای در میان باشد و ما چنین استعمالی را از استعمالات حقیقی میدانیم نه مجاز. ضمناً محل استشهاد، استعمال خود واژه است نه «یرشو»، یا «نرشو» یا «رشوته»؛ زیرا استعمالات دیگر از ماده رشوه در معنای غیر قضا دال بر جواز و صحت استعمال خود واژه در غیر قضا به نحو حقیقت - و حتی مجاز - نیست.

این دو روایت همچنین دلالت بر تقسیم رشوه به حلال و حرام دارند؛ چنان که از جواز پرداخت توسط دافع رشوه نباید جواز گرفتن آن را از سوی گیرنده رشوه را، استحصال کرد.

روایت دوم دلالت بر حرمت رشوه برای تخفیف ناحق و احترام به قرارداد دارد؛ اگر چه طرف قرارداد سلطان جائز باشد.

قابل توجه این که مرحوم شیخ حرّ روایت دوم را از اسماعیل بن ابی سَمّاک و حکیم بن حکم و امام کاظم - علیه السلام - نقل می کند در حالی که در مصدر اسماعیل بن ابی سَمّال و حکم بن حکم و امام صادق - علیه السلام - است!^۵ روایت علی ای حال موثقه است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ابواب ما یکتسب به، باب ۸۵، ص ۲۷۸، ح ۲.

۲. همان، ذیل حدیث.

۳. ادامه گفتار ملاحظه شود.

۴. همان، ج ۱۸، ابواب احکام العقود، باب ۳۷، ص ۹۶، ح ۱.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲۸۱ (=ص ۲۳۵).

با تتبعی که صورت گرفت وجه اجتهادی آن چه ما آن را قدر متیقن از رشوه (بر خاسته از تتبع و تحقیق) دانستیم، معلوم می گردد.

البته با ملاحظه معتبره محمد بن مسلم و قبول پذیرش تقسیم رشوه به رشوه حلال و حرام، نباید «فی موضع عدم وجه للاعطاء و عدم الاستحقاق» را مساوق و مستلزم حرمت آن دانست. باید آن را به گونه ای معنا کرد که سر از حرمت در نیاورد.

به هر حال، تحقیق بیشتر در این باره را باید از آن چه در خارج مکاسب محرمه بیان کرده ایم، دریافت کرد.

رشوه در زبان فارسی و قانون ج.ا. ایران

تحقیق در پیوند با این واژه را با سیری کوتاه در زبان فارسی و قانون ج.ا. ایران- همراه با اشارتی به تحلیل و بررسی آن - به انجام می رسانیم.

در متون معتبر فارسی «رشوه» به : پاره ای که برای برآمدن کاری دهند. آن چه به کسی دهند تا کارسازی به ناحق کند و در فارسی قدیم آن را «پاره» گویند.^۶

قانون گذار در قانون تخلفات اداری مقرر کرده:

«رشوه، دادن مالی است به مامور رسمی یا غیر رسمی دولتی که به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی و لو این که آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد، خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند، یا به واسطه شخص دیگر آن را بگیرد، فرق نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن، رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر، فرق نمی کند کاری که برای راشی باید انجام شود، حق او باشد یا نه. شرط تحقق رشوه تبانی و توافق گیرنده و دهنده بر دادن و گرفتن رشوه است.»

اتخاذ قید «مامور دولتی»؛ «کارهای اداری یا قضایی»؛ شرط «تبانی و توافق» شاید به دلیل اقتضای مورد باشد و الا وجهی برای اعتبار آن ها در تعریف رشوه نیست.

قانون گذار در موضعی دیگر تعریفی عام تر ارائه داده و به گونه ذیل مقرر کرده است:

«هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری ها یا نهادهای انقلابی و ... برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان های مزبور می باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است. اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آن ها بوده یا آن که مربوط به مامور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد ...»^۷.

۶. لغت نامه دهخدا، ج۸، ص ۱۲۰۹۰.

۷. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، ماده ۳، مصوب ۲۸/۶/۱۳۶۴ از مجلس شورای اسلامی با تایید آن از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۵/۹/۱۳۶۷.